

**نویسنده :** مرتضی حسین (Murtaza Hussian)

**منبع و تاریخ نشر :** انفارمیشن کلیرنگ هوز (2020-04-09) .

**برگردان :** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

----- 44 -----

## بامواجه شدن به ویروس کرونا اینک چگونه جنگهای صلیبی خارجی منابع داخلی آمریکا را خشک کرد

### Coronavirus Is Exposing How Foreign Crusades Bled America's Domestic Resources Dry

" - همه گیر یا پاندمی ویروس کرونا که اکنون ایالات متحده را ویران می کند ، که باید هر آمریکایی را به سمت وسو یکسری یا یک سلسله سؤالات مهم سوق دهد: تهدیدهای واقعی با من چیست ؟ دولت من از نظر امنیت من و ملت چه اولویت های داشته است ؟ و همه پول ما لیا تی من کجا رفته است ؟

با در نظر گرفتن این سؤالات ، دشوار نیست که نتیجه بگیریم که اولویت های امنیتی ملی دولت آمریکا چنان واقعیت داشته است که آنها کشور را به طرز چشمگیری آماده نکردند و از تهدید حاد این بیماری برای میلیون ها نفر از مردم کار موثری انجام ندادند و از روند مبارزه با این ویروس خا رج شد ند.

توجه دولت به شدت بر تهدید گروه های افراطی و رژیم های غیر دوستانه در خارج از کشور ، عمدتاً در خاورمیانه است. طی یک دوره دو دهه ، ایالات متحده تریلیون دلار صرف جنگ و مشاغل در سراسر منطقه کرد. این درگیری ها باعث شده است که آمریکا به یک لیست روزافزون از دشمنان در سراسر جهان تبدیل شود. آنها هنوز هم برای میلیون ها نفر در خاورمیانه زندگی را سخت و دشوار می کنند. اما تأثیر آنها بر خود ایالات متحده هم اکنون با درد و فریاد آشکار می شود: کشوری که تریلیون ها دلار در جنگ های

خارجی صرف کرده است اما قادر به دفاع از شهروندان خود در برابر تهدیدات اساسی مانند بیماری و فروپاشی اقتصادی نیست.

طی چند هفته گذشته، بوضوح می بینیم که یک دولت فدرال ظاهراً نتوانسته است آنچه را که باید از گسترش همه گیر ویروس کرونا در خاک آمریکا جلوگیری و متوقف میکرد نتوانست انجام دهد یعنی که ظرفیت آزمایش آمریکا از کشورهای بسیار کوچکتر و ثروتمندتر مانند تایوان و کره جنوبی نیز عقب مانده است بلکه کمبود زیرساختهای مهم سلامتی احتمالاً به معنای مرگ اضافی صدها هزار آمریکایی در آینده قابل پیش بینی است. فرمانداران ایالت های بزرگ برای مقابله با شیوع این مرض، عموماً در حال التماس از دولت فدرال برای تهیه، ماسک و سایر ابزارهای اساسی هستند. علامت کمی وجود دارد مبنی بر اینکه حتی در حال حاضر ظرفیت پاسخگویی به این درخواست ها ملاحظه شود.

ما باید یک قشر ویا یک کتله وسپاه گسترده در مبارزه با پاندمی این بیماری ایجاد کنیم تا که این نیروی کار به امور تحقیقات تا تا مین مراقبت های صحی به مردم نیازمند به خدمات صحی پردازد یعنی به آن کارو فعالیت که ایجاب میکند در مقابل این ویروس (وهر بیماری زایی دیگری که به آن مواجهه شد) ضرورت دیده میشود. و با در نظر داشت ظرفیت کاری مراقبت های بویژه از تعداد تختخواب ها؛ پرسونل و تجهیزات لازم در مطابقت با سرکوب ویا زدودن ویروس صورت گیرد و شگاف ناشی از عدم مراقبت بوقت با اجرای مراقبت پرگردد یا به عبارت دیگر ما نمیتوانیم ایده جان سالم ماندن از حمله هوایی فعلی (کووید نزده) را داشته باشیم ویا که آنرا بپذیریم تا بعداً به ردیابی تماس با ما و انزوایی واقعه مصاب برگردیم تا شیوع بیماری در زیر استانهای باشد. ما باید افراد کافی را استخدام کنیم تا در حال کنونی (کووید نزده) را خانه بخانه شناسایی کنیم و وسایل حفاظت لازم را اعم از ماسک ها، دستکش ها..... بقدر کافی بدسترس گروه مراقبت کننده ها یا پرسونل طبی قرار دهیم و در عین زمان یا در روند پیکار خود باید تلاش های آن عده از کسانی را که به سلب مالکیت می پردازند یعنی همه وسایل را احتکار میکنند فعالیت های آنها را توقف دهیم یعنی از صاحب خانه تا تحریم های سایر کشورها که صورت گرفته ویا که صورت میگیرد تا که مردم بتوانند هم از این بیماری وهم از درمان آن زنده بمانند. در همین حال انباشت ناگهانی بودجه تخصیصه بیش از حد برای مصارف نظامی که بعد از رویداد یازدهم ماه سپتمبر سال (2001) به هدف روبل و فعالیت های نظامی روی دست گرفته شد قابل دقت است. آنچنانیکه حسب گزارش پوهنتون برن (Brown) هزینه ها ویا مصارفی که توسط دولت ایالات متحده بعد از سال (2001) در جنگ های

افغانستان و عراق و پاکستان صورت گرفته بالغ به (4، 6) تریلیون دلار میشود که البته این رقم مبلغ هنگفت حتی در پرداخت سود وامهای مورد علاقه که بخاطر ادامه جنگ وام گرفته شده محسوب نمیشود که میتواند تا هنگام اواسط قرن تا (8) تریلیون دلار برسد. چه رسد به اینکه این فرصت برای جامعه امریکایی از این مصارفات کلان برای جنگها و ماجراجویی های خارجی هزینه کند که سپس موجب تورم بودجه اساسی یا تخصیص داده شده پنتاگون گردد «هزینه جنگ با تروریسم» داخلی در وزارت عدلیه و امنیت میهن. مطمئناً به گسترش دستگاه وحشی اطلاعاتی ما؛ که غیر از این برای همه و برای عموم مردم از اجراءات و مصارفات خود حساب نخواهند داد یعنی که این موسسات قادر نخواهند بود که از صورت مصرف این مبالغ هنگفت به مردم عامه امریکا حساب دهند.

اینکه این جنگ های ضد تروریستی امریکا صدها هزار نفر را کشت و البته بدون کدام دستیابی به منافع سیاسی در توافق با استراتژی آشکار؛ اما برعکس این جنگ های بیهوده ثروت این نسل را تلخ و نابود میکند و دارد که کاملاً نابود کند.

زیر ساخت در حال بحران ایالات متحده امریکا در روند این حالت بحرانی توسط بقیه جهان از خاطر گرفته است و یا که بقیه جهان از آن غافل مانده اند حتی که اگر منشاء اصلی این بیماری همه گیر در چین نیز باشد - اما حزب کمونیست چین بعداً توانایی بجا و معقولی در مهار کردن شیوع این بیماری کشنده در داخل کشورش از خود نشان داد و اکنون در تلاش است تا خود را بعنوان صادرکننده کالاها و اجناس در سطح جهان قرار دهد؛ ماسک؛ تجهیزات طبی؛ دوکتوران را به سراسر اروپا و آسیا بفرستد و یا بخواست کمک های مطالبه شده ای کشورها لیبیک گوید؛ حالانکه در مقایسه به آن دولت **دونالد ترامپ** آشکاراً در تلاش است که به نسبت این ضعف خود چه پاسخ و یا واکنش مناسب بمردم امریکا در داخل کشورش بدهد؛ حالانکه تلاش های کشورهای دیگری را که عزم مبارزه با این بیماری را دارند نیز کم رنگ ساخته است. مثلاً منحرف کردن منابع مهم و یا دور کردن متحدان اش را مثل فرانسه که او را از متحدین و شرکای داد و ستد اش دور ساخت؛ حالانکه خود پیوسته در تلاش برای تشدید پاندمی جهانی از طریق تحریم های اقتصادی علیه دشمنان مانند ایران دست بکار شده است علیرغم ادعای متحدان اش برای تغییر مسیر.

نتیجه و یا پیامد خالص این همه نابسامانیها ممکن است ایالات متحده باشد که موسسات خود را تا حد و حدود کمخونی بخاطر ادامه ایدئولوژی جنگهای صلیبی در خارج از کشور مضمحل و نابود کرده است که حتی قادر به مسابقه و رقابت با رقبای اصلی اش به ارتباط آنچه که مهم پنداشته میشود نیست. در مقاله اخیر در نشریه امنیت ملی تحت

عنوان **جنگ در صخره (war on the rock)** **میرا راپ هوپر (Mira Rapp Hoper)** از شورای روابط خارجی و نویسنده کتاب آینده اش تحت عنوان **(shields of republic)** « پیروزی و خطر » در ( اتحادیه ها و ائتلاف های آمریکا ) به پیا مدهای وحشتناک اقدامات آمریکا نظر کرده چنین نوشت : **« بعید به نظر میرسد که رهبری آمریکا که با آگاه از توانایی این فاجعه جهانی قادر به تغییر تلاش های دولت خود در صورت پذیرش حاکمیت ضعیف بعنوان استراتژی استفاده کرده باشد ؛ اگر چین از این بحران زودگذر بعنوان یک رهبر مطمئن استفاده کند ؛ نتیجه غیر قابل تحمل تغییر ساختاری نخواهد بود ؛ پکن از سوء مدیریت داخلی فاجعه آمیز واشنگتن و سیاست خارجی بی نظیر واشنگتن برخوردار خواهد بود تا از این امر تشکر کند. »**

حتی پس از گذشت دو دهه از شکست ناشناخته استراتژیک در خا ورمیانه و همراه با آسیب های فاجعه آمیز مخارج دفاعی بررسی نشده ، به نظر می رسد که بخش های قابل توجهی از نخبگان آمریکایی هنوز از مسمومیت خود با جنگ های خارجی انتخا بی بیدار نشده اند. در میان همه گیر جهانی که می تواند میلیون ها نفر را به قتل برساند و اقتصاد آمریکا را برای سالهای متمادی به هم بزند ، نشانه های شدیدی وجود دارد مبنی بر اینکه ممکن است به ارتش آمریکا دستور داده شود جنگ دیگری را در عراق آغاز کند - این بار برای مبارزه با شبه نظامیان تحت حمایت ایران در آن کشور که جاه طلبی ها در نهایت محلی برای منطقه است

چنین درگیری در خدمت اهداف گروههای ذی نفع به خوبی سازمان یافته در پایتخت کشور است. اما استدلال تقریباً غیرممکن است که می تواند در بهبود امنیت روزمره مردم عادی که هزاران مایل دورتر از ایالات متحده زندگی می کنند ، کمک کند. در صورت وقوع این جنگ ، ما می توانیم آن را در یک بستر بزرگتر قرار دهیم : کشوری یکبار قدرتمند که قدرت خود را از طریق ماجراهای گران قیمت ارتش در سرزمین های دور دست از بین می برد ، اما از نظر مؤثر قادر به فراهم آوردن اصول زندگی برای مردم خود در خانه نیست.

**چند سطر در مورد نویسنده این مقاله : مرتضی حسین یک روزنامه نگار**

است که به کارهایی به امنیت ملی ، سیاست خارجی و حقوق بشر می پردازد. کارهای او قبلاً در نیویورک تایمز ، گاردین و الجزیره انگلیسی به نمایش در آمده است. - "منبع"

----- **با تقدیم احترامات « 2020-04-11 »**

